

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعید-سعیدافغانی»

۲۹ سپتمبر ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه و تفسیر سوره مُلک

۳



«وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَيَسُ الِّمَصِيرُ» (۶)

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، عذاب دوزخ است و بد بازگشتگاه است. (۶)

لغت نامه:

«يَسُ الِّمَصِيرُ»: (ملاحظه شود سوره: بقره و سوره آل عمران) و نباید فراموش کرد که:

کافران عاقبتی بد در پیش دارند. که همانا «جَهَنَّمَ» است. «صیر» بازگشتن، رجوع، انتقال، تحوّل، رسیدن، گردیدن، «مصیر» بازگشت، مکان بازگشت، بازگشتگاه. (ترجمان القرآن جرجانی صفحه ۸۹)

«إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيْقًا وَهِيَ تَفُوْرُ» (۷)

هنگامی که در آن افکنده شوند از آن در حالی که در جوش و فوران است، صدائی هولناک و دلخراش می شنوند. (۷) «أُلْقُوا» از «القاء» به معنای پرتاب شدن بدون اختیار است.

«شَهِيْقًا»: «شهیق» به زشت ترین و ناخوشایندترین صداها، مانند آواز خر.

حضرت ابن عباس (رض) می فرماید: «آواز جهنم در هنگام افگندن کفار در آن، همچون آواز خر است آن گاه که از دیدن جو دم بر می آورد و نفس نفس می زند و سپس عرعر تندی می کشد که همه کس از شنیدن آن بر خود می لرزد.» «و آن برمی جوشد» یعنی: دوزخ بر دوزخیان همچون جوشیدن دیگ برمی جوشد.

«تَفُورُ» از فوران، بیانگر شعله‌های عظیم دوزخ است که می‌جوشد و بالا می‌آید. (ناگفته نباید گذاشت که صدای ناخوشایند «شَهيقُ» از خود دوزخ است، «لَهَا شَهيقًا» و اهل دوزخ نیز شهيق دارند، طوری که در (آیت ۱۰۶ سوره هود) آمده است: «أَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهيقٌ». (اما آن) کسانی که بد بخت شده اند، پس در آتش (اند و در آنجا) ناله (زار) و خروشی (سخت) دارند.

زفیر: زفیر به درون کشیدن نفس است با صوت توأم با اندوه. اصل آن، به معنی سختی است. شهيق: صدای فطیعی بد و ناخوش آیند است که از درون و جوف انسان خارج می‌شود با نفس کشیدن، زجاج گوید زفیر و شهيق از صدای انسانهای غمگین است. (قاموس قرآن).

« تَكَادُ تَمَيَّرُ مِنَ الْعَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ » (۸)

نزدیک است (دوزخ) از شدت غضب پاره پاره شود هر زمان یکی گروهی در آن انداخته می‌شوند، نگهبانان دوزخ از آنها می‌پرسند: «مگر بیم‌دهنده الهی به سوی شما نیامد؟! (۸)

لغت نامه:

«تَكَادُ تَمَيَّرُ»: نزدیک است از هم شکافته و پاره پاره شود. کمی مانده است که بترکد. «مِنَ الْعَيْظِ»: بر اثر خشم. «خَزَنَتُهَا»: نگهبانان دوزخ (ملاحظه شود سوره: تحریم) «فَوْجٌ»: جماعتی از کفار. «أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ»:

خواننده محترم! باید گفت که: عذاب الهی بعد از اتمام حجت است. نباید فراموش نمائید هر شخصی که به سن شصت سالگی برسد، حجت خداوند بر او تمام شده است: حضرت ابوهریره (رضی الله عنه) می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: «الله متعال برای شخصی که اجلش را به اندازه ای به تأخیر بیندازد که به شصت سالگی برسد، هیچ عذری باقی نگذاشته است». (صحیح البخاری: ۶۴۱۹)

قابل تذکر است که الله تعالی هیچ قومی را هلاک نمی‌کند مگر آن که دعوتگرانی را به سوی شان بفرستد تا بازدارنده از فساد و تمام کننده حجت بر آنان باشد: «لِيُنْذِرَ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ أَنَّهُ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (سوره النساء: ۱۶۵).

یک مباحثه کوتاه دوزخیان با شیطان:

قبل از همه باید گفت آنچه از کسانی که گمراه می‌شوند و شیطان بر آنها تسلط می‌یابد، کسانی هستند که اهل اخلاص نیستند و از جمله کسانی اند که از شیطان پیروی کرده اند، چنان که می‌فرماید: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (آیت ۴۲ سوره حجر) (همانا برای تو بر بندگان (برگزیده) من تسلطی نیست، مگر از گمراهانی که تو را پیروی کنند). در جمله «تو را بر بندگان من تسلطی نیست» هدف اساسی از بندگان در آیت مبارکه «همانا بندگان بااخلاص خداوند هستند»

ولی کسانی از گمراهان که از تو پیروی کنند، متابعت شان به سرحدی می‌رسد که در نتیجه زمام امور خویش را به دست شیطان می‌سپارند و شیطان هم آنان را به وادی های گمراهی و سرانجام به دوزخ می‌رسانند.

پس گفته می‌توانیم شیطان بر بندگان سلطه دارد که به کفر او راضی هستند و با طیب خاطر از وی پیروی می‌کنند. طوری که در (آیت ۱۰۰، سوره نحل) می‌فرماید: «إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ» یعنی: تنها

تسلط شیطان بر کسانی است که او را به دوستی می گیرند (یعنی: از او در وسوسه‌هایش اطاعت کرده و خداوند را نافرمانی می کنند) و به واسطه او شرک می ورزند.

شیطان روز قیامت خطاب به پیروان خود که آنان را گمراه کرده و به نابودی کشانده است، می‌گوید: «وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلْمُونِي وَلَوْمُوا أَنفُسَكُمْ» (سوره ابراهیم ۲۲). یعنی: و من بر شما تسلطی نداشتم (و کاری نکردم) جز این که شما را دعوت (به گناه و گمراهی) نمودم و شما هم (فریب وسوسه مرا خوردید) و دعوتم را پذیرفتید، بنابراین، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید.

این آیت نشانگر آنست که خداوند متعال قدرت و توانی را به شیطان نداده است که با اجبار و اکراه مردم را به کفر و گمراهی بکشاند، زیرا کسانی که مخلص باشند یعنی عبادت‌های خویش را خالصانه برای الله متعال قرار دهند و تنها برای رضای او زندگی کنند و کسانی که از شیطان پیروی نکنند (یعنی از محرّمات و قبیحات که شریعت آنها را نهی کرده ولی شیطان انسان را به سوی آنها دعوت می کند، پرهیز و دوری می کنند) چنین کسانی جز وسوسه ای از جانب شیطان مورد تهاجم واقع نمی شوند، یعنی تنها کاری که از دست شیطان ساخته است، وسوسه و زینت دادن گناهان است، ولی انسانهای مخلص و صالح به این وسوسه ها جواب رد می دهند و شیطان را مأیوس می گردانند از این که ایمانشان را به کفر مبدل گردانند و جزو گمراهان شوند، پس مراد از «گمراهان» یعنی کسانی که ایمانشان را به کفر و شرک مبدل گردانند، ولی انسانهای مخلص ایمان خود را نگه می دارند، زیرا آنها از شیطان و وسوسه های او پیروی نمی کنند، از اینرو خداوند نیز آنها را حمایت می کند و بر ایمان می میرند.

در نتیجه باید گفت:

شیاطین بر انسانهای مؤمن و مخلص و صالح تسلطی ندارند که بخواهند آنها را به کفر و گمراهی بکشانند، زیرا الله تعالی آنها را به سبب بندگی کردن و عبادت خالصانه پروردگار و اطاعتشان از دستورات او یاری نموده و از شر شیطان در امان نگاه داشته است و انسان مؤمن آنکسی است که به اسلام و قرآن و رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم و روز رستاخیز ایمان آورده و انسان مخلص کسی است که تنها رضای الله تعالی را مد نظر دارد و به خاطر او زندگی می کند و به خاطر او می خوابد و به خاطر او می میرد، و از ریاء به دور هستند: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره انعام ۱۶۲)؛ بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. یعنی: خاص و خالص برای اوست. یگانه راه حاصل نمودن اخلاص اصلاح نیت است، و هرگاه نیت خود را درست نمائیم و همیشه در نیت ما رضای خدای عزوجل نهفته باشد، و مخلوقات را در هنگام برنامه ریزی امور اخروی از نظر دور داریم اخلاص حاصل می گردد. اخلاص انجام دادن هر عبادت درصداً به خاطر رضای الله جل جلاله می باشد. کسانی که تمامی امورشان را به خاطر رضای الله جل جلاله انجام می دهند درحقیقت بندگان مخلص الله جل جلاله می باشند و انسان صالح کسی است که از اوامر الله و رسولش اطاعت کرده و از گناهان دوری می کند. چنین انسانی با این صفات است که شیطان بر او تسلطی ندارد تا بخواهد او را به دایره کفر و شرک و ضلالت سوق دهد، به جز اینکه وی را وسوسه کرده و گناهان را برایش می آراید تا وی را به آنها داخل گرداند ولی او وسوسه شیطان را با یاد الله رد می کند و اگر در دام گناه هم بیفتد زود توبه می کند و دیگر سراغ آن نمی رود تا این که سرانجام با ایمان و عمل صالح از دنیا می رود.

نهایتاً وبه اصطلاح در یک کلام باید گفت: الله تعالی شیاطین را بر انسان با ایمان و با اخلاص که توکلشان به خداست، مسلط نکرده است و خداوند هرگز شیطان را بر بندگان خود مسلط نمی کند تا این که بنده خود به وسیله شرک و پیروی

از شیطان در انجام گناهان و حرامها و کفر در تسلط وی را بر خود نگشاید، آنگاه از جانب خداوند بر او مسلط می شود و در نتیجه شیطان آنها را به سوی ارتکاب گناهان کشانده و به طرف جهنم سوق می دهد.

«قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ» (۹)

می گویند: بلی! چرا بیم دهنده ای نزد ما آمد ولی ما (دعوت او را) انکار کردیم و گفتیم: الله چیزی را نازل نکرده است. جز این نیست که شما در گمراهی بس بزرگ هستید. (۹)

لغت نامه:

«ضلالٍ کبیرٍ»: گمراهی عظیم.

«ضالّ» با توجه به معنای لغوی و کاربرد آن در شماری از آیات قرآن، به کسی گفته می شود که به هدایت آسمانی راه ندارد و این هدایت آسمانی اعم از آگاهی از اسرار غیب یا بهره مندی از وحی الهی است. «ضلال» به هر نوع انحرافی اطلاق می گردد فرق نمی کند که این گمراهی از راه راست چه به صورت عمدی باشد و چه سهوی، کم باشد و یا هم زیاد .

خواننده محترم!

در آیت متبرکه که الله تعالی ما انسانها را از اعترافات کافران در روز قیامت چنین آگاه می نماید:

اولین اعتراف کافران را که دربدو آیت بدان اشاره شد آمده است: «بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا»، کافران سر انجام به سرافکندگی خویش اعتراف و اقرار می نمایند که: بلی انبیاء نزد ما آمدند «فَكَذَّبْنَا» ولی ما آن را نه تنها تکذیب کردیم بلکه به اهانت شخص خودشان و پیغام الله جل جلاله را که برای ما ابلاغ می نمودند پرداختیم، آن را نه تنها انکار بلکه انبیاء را نیز به باد تمسخر می گرفتیم . عقل واقعی آن است که انسان حق را بشنود، آن را بپذیرد و پیروی کند تا از قهر الهی خود را نجات دهد.

دومین مبحث که در آیت فوق مورد بحث قرار گرفته همانا اعتراف کافران که در جمله: «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ» به عدم تعقل و عدم استماع شان به کلام حق که برای شان بیان می شد.

وسومین اعتراف کافران در آیت متبرکه همانا اقرار به گنهکار بودن شان است که از جمله «فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ» به وضاحت معلوم می شود.

نباید فراموش کرد که: روحیه لجاجت به جایی می رسد که گمراهان، به پیامبران الهی نسبت گمراهی می دهند، آنها گمراهی بزرگ! «إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ».

همچنان قابل یاد آوری است که اعتراف به گناه در دنیا ممکن است سبب عفو برای انسان شود، ولی نباید فراموش کرد که: اعتراف به گناه در آخرت هیچ فایده ای به حال انسان نمی رساند.

کافران باید بدانند که در روز قیامت: هم محکوم به شکنجه و عذاب جسمی می شوند: «اصحاب السعیر»، و هم محکوم به شکنجه به عذاب روحی. «سحقا» می شوند و در نهایت از رحمت الهی دور و محروم می گردد.

کافران به گناه خویش معترف اند:

در (آیت ۳۱ ، سوره سبأ) آمده است: « وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَ لَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلِ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ » (و کسانی که کافر شدند گفتند: ما نه به این قرآن و نه به آن (کتابی) که پیش از آن بوده است، هرگز ایمان نخواهیم آورد. (و تعجب می کنی) اگر ببینی وقتی که ستمگران (مشرك) در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده اند در حالی که

بعضی با بعضی دیگر جدل و مشاجره می‌کنند (و گناه خود را به گردن یکدیگر می‌اندازند). کسانی که ضعیف نگاه داشته شده‌اند (زیر دستان) به مستکبران می‌گویند: اگر شما نبودید، حتماً ما مؤمن بودیم).

همچنان در (آیت ۳۲ ، سوره سبأ) می‌افزاید: «قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَن نَّحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ» (اما) کسانی که استکبار ورزیدند به مستضعفان گویند: آیا ما شما را از هدایتی که به سراغتان آمد باز داشتیم؟ بلکه شما خود گناهکار بودید).

همچنان در (آیات ۴۲ الی ۴۷ ، سوره مدثر) می‌خوانیم: «مَا سَلَكُكُمْ فِي سَفَرٍ ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ، وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ ، وَ كُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ، وَ كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ، حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ » (چه چیز شما را روانه دوزخ کرد. گویند: ما از نمازگزاران نبودیم. و افراد مسکین را طعام نمی‌دادیم و با اهل باطل در سخنان باطل فرو می‌رفتیم. و پیوسته روز جزا را تکذیب می‌کردیم تا آن که مرگ به سراغ ما آمد).

هكذا در (آیت ۳۷ ، سوره اعراف) می‌فرماید: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَلَيْسَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَ شَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ» (پس کیست ستمگارت‌تر از کسی که بر خداوند دروغ بدهد، یا آیات او را تکذیب کند؟ آنان بهره خود را از دنیا به مقداری که در) کتاب (الهی که برای آنان نوشته شده) خواهند برد، تا آن که چون فرستادگان ما برای گرفتن جانیشان به سراغ آنان آیند گویند: کجاست آنچه (و آن که) به جای خداوند می‌خواندید؟ گویند: همه از دید ما ناپدید و نابود شدند. و آنان علیه خود شهادت می‌دهند که کافر بوده‌اند).

ادامه دارد